

قلم

از محمد ضیا، ضیا

اگر زباغ بهشت سر زند درخت چنار
به غیر شاخه و برگش دگر ثمر نرسد
برو تو غوطه به دریای بی کرانه بزن
ز آب گندِ لجن زار گهی گهر نرسد
قلم زجنس شریف است، خداکند که قلم
بدستِ مردم نا اهل و بی هنر نرسد
قلم متاعِ گرانیست که هرگزش زدکان
بدستِ خواجه و منعم به سیم و زر نرسد
هر آن نی بی که زتالاب میکشد قامت
نی است ولیک به معنای نیشکر نرسد
صدای بلبل نیل* یا ترانه های خیام
به نزد اهلِ ندامت به نوحه گر نرسد
یقین بدان که تاثیرِ عود و چنگ و رباب
به قدر یک سر سوزن به گوش کر نرسد
شناس حریم ادب را برو تو خود را باش
که تا ز دست و زبانت به کس ضرر نرسد
* اشاره به أم کلثوم آواز خوان مصری

سیدنی می 2013